

استادان ارجمند

با درود و احترام

پدیده "کورونا" نیاز به همفکری در رویارویی با پدیده ها و بحران های فراگیر را بیش از پیش نمایان کرده است. این پدیده نشان داد که ما با وجود پشت سر نهادن تاریخ رنج های برآمده از همه گیری هایی همچون طاعون سیاه، وبا و آنفلوآنزای دهه دوم سده بیستم (موسوم به آنفلوآنزای اسپانیایی)، هنوز آمادگی فکری درخور مواجهه با چنین رویدادهایی را نداریم. به نظر می رسد زمان آن رسیده است که جامعه آکادمیک در سطح ملی و بین المللی به گونه ای هماهنگ تر و هم افزایانه تر به اندیشه ورزی درباره ابعاد و پیچیدگی های چنین بحران هایی بپردازد و خود را برای رویارویی با رخدادهای مشابه در آینده آماده تر کند. این کار نیازمند اهتمام هرچه بیشتر اندیشمندان برای تمرین پرسشگری مناسب، در برخورد با مسائل و بحران های جهانی است. به این منظور از استادان ارجمند دعوت می کنیم در پاسخ گویی به پرسش های طرح شده به ما بپیوندند و بر اساس تخصص و گستره اندیشه ورزی خود به هر شمار از پرسش ها که تمایل دارند پاسخ دهند. از استادان گرامی درخواست می کنیم پاسخ های خود را در قالب مقاله کوتاه یا فایل صوتی تا پایان تیر ماه برای ما بفرستند. پاسخ های دریافت شده، پس از بررسی در کتاب یا کتاب هایی گردآوری می شوند که قطعاً بن مایه ارزنده ای برای فهم بهتر وضعیت کنونی و الگویی برای همفکری های راهگشاتر در آینده فراهم خواهد آورد.

با سپاس،

پگاه مصلح

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران - خرداد ۱۳۹۹

E-mail:

inoihcs@ihcs.ac.ir

pegahmosleh@ihcs.ac.ir

پدیده کورونا و پرسشگری فلسفی

جدا از واکنش های اضطراری به یک بحران، آنچه در رویارویی با بحران و عوارض آن، به ویژه در درازمدت، نقش تعیین کننده دارد پرسشگری از جوانب گوناگون پدیده است. بخشی از این پرسشگری بی درنگ و متأثر از برخورد با نخستین ضربه های موج بحران پدید می آید و بخشی به گونه ای فعالانه تر برآمده از درنگ و تأمل اندیشه ورزان عرصه های متفاوت دانش است. هرچه پرسش های طرح شده از گستردگی و عمق بیشتری برخوردار باشند، پژوهش ها، تحلیل ها، پیش بینی ها و تجویزهای دقیق تر و راهگشاستری برای رویارویی با پیامدهای رخداد کنونی و پدیده های مشابه در آینده حاصل خواهد شد. البته خود پرسشگری پیرامون یک پدیده چندوجهی و در جریان، باید چنان رویدادی نگریسته شود که به فراخور گسترش ابعاد بحران و پیچیده تر شدن مسائل برآمده از آن، نیازمند سنجش و بازنگری است. با این مقدمه می کوشم در حد توان، پرسش های فلسفی معطوف به پدیده "کورونا" و پیامدهای آن را به منظور حرکت به سوی اندیشه ورزی های جمعی در حوزه دانش فلسفی برشمارم^۱:

- ۱- پدیده کورونا چگونه بر پرسش از "معنا" در زندگی تأثیر می گذارد؟
- ۲- آیا پدیده کورونا می تواند شیوه بودن انسان ها را تغییر دهد و به طور کلی پدیده های فراگیر باید واجد چه ویژگی هایی باشند تا به چنین تغییری منجر شوند؟
- ۳- پرتوافکنی پدیده کورونا بر "به سوی مرگ بودن" آدمی، و افزایش مرگ- آگاهی در رویارویی با بحران چه دگرگونی هایی در شیوه زیستن انسان ها در کوتاه مدت و درازمدت ایجاد می کند؟
- ۴- در زندگی روزانه مردم و همچنین در تصمیم گیری نهادهای مسئول رویارویی با پدیده کورونا، "ابهام" بسیار چشمگیر شده است؛ از دیدگاه فلسفی این "ابهام" و زیستن در "وضعیت مبهم" چه پیامدهایی ممکن است داشته باشد و تأثیر این وضعیت بر خود فلسفه ورزی چه خواهد بود؟
- ۵- اگر بشود پدیده کورونا را عامل فزونی اهمیت بدن و موقعیت مندی در هستی شناسی انگاشت پیامدهای فلسفی چنین اهمیتی چه خواهد بود؟

^۱ این پرسش ها نتیجه تأمل نگارنده درباره پدیده "کورونا" و ملاحظه مباحثی است که صاحب نظران تا کنون پیرامون این پدیده طرح کرده اند و بدیهی است که اندیشمندان می توانند پرسش های دیگری بر آن بیفزایند.

۶- تفاوت های اگزستانسیال زیست امروز با دوران پیشامدرن چه تحولی در رویارویی با پدیده کورونا، نسبت به مواجهه با پدیده هایی همچون طاعون / مرگ سیاه در اواخر قرون وسطا، ایجاد کرده است؟

۷- با توجه به افق دانایی امروز بشر، بحث خیر و شر در ارتباط با پدیده کورونا چه تفاوتی با همین بحث در هنگام رخداد پدیده های مشابه در دوران پیشامدرن و مدرن دارد؟

۸- با افزایش اهمیت علوم طبیعی و به ویژه علم پزشکی در رویارویی با پدیده کورونا چه تغییری در جایگاه معرفت فلسفی روی خواهد داد؟

۹- پدیده کورونا چه وجوهی از مسئله مندی ایده سوژه مدرن را نمایان تر کرده است؟

۱۰- پررنگ تر شدن "تکنولوژی" در رویارویی با پدیده کورونا چه تأثیری بر رویکردهای مؤید و پذیرنده تکنولوژی، و رویکردهای انتقادی و هشداردهنده خواهد گذاشت؟

۱۱- تفاوت های دو نگرش خطی / تداوم باور و گسست گرا در فلسفه تاریخ چگونه بر مطالعه پدیده کورونا و پیامدهای آن تأثیر می گذارد؟

۱۲- کدام چالش های بزرگ فلسفه اخلاق در رویارویی با پدیده کورونا برجسته تر شده اند؟ برای مثال پاسخ فلسفه اخلاق به ناگزیری انتخاب بیماران برای قطع درمان در برخی از کشورها چیست؟

۱۳- قواعد رویارویی با پدیده کورونا چه تأثیری بر بحث فلسفی نسبت وجه عقلانی و عاطفی در زیست اجتماعی انسان می گذارد؟

۱۴- اگر پدیده ای همچون کورونا و بحران برآمده از آن را، با ابعاد فراگیر و جهانی، چونان آزمونی برای ارزیابی نظام های معرفتی در نظر بگیریم، برداشت نسبی گرا و هم ارز نگر در قبال نظام های معرفتی متفاوت چه پیامدهایی می تواند برای مواجهه با این پدیده و مدیریت بحران داشته باشد؟

۱۵- رویداد "سرایت" و لزوم فاصله گیری در جامعه از یک سو، و احساس نیاز به بودن- با و نیاز به یاری دیگران در برابر بیماری در پدیده کورونا، از سوی دیگر، چه بصیرتی را بر بحث "دیگری" در فلسفه خواهد افزود؟

۱۶- پدیده کورونا و بحران برآمده از آن چگونه زمینه انضمامی لازم برای طرح دوباره بحث نسبت نظر و عمل را ایجاد کرده است؟

۱۷- رأی به تکرارناپذیری پدیده ها چه پیامدی برای تأمل فلسفی درباره پدیده کورونا و پیش بینی جهان پس از آن می تواند داشته باشد؟

۱۸- دشواری رویارویی با پدیده کورونا به منزله وجهی از طبیعت که در زندگی عادی کمتر مورد توجه قرار می گیرد چه تأثیری بر بازانديشی مفهوم "طبیعت" خواهد داشت؟

۱۹- اولویت یافتن راهبرد حفظ بقا در رویارویی با پدیده کورونا چه تأثیری بر معادله عقلانیت معطوف به هدف و تفکر پراگماتیستی از یک سو، و تفکر انتقادی- به طور ویژه نقد بقامحوری معاصر- از سوی دیگر، می گذارد؟

۲۰- لزوم "مبارزه" با میکروارگانسیم عامل بیماری، به منزله بخشی از "طبیعت"، چه تأثیری در بازنگری و ارزیابی دوباره آرای اندیشمندان آغاز عصر مدرن، همچون فرانسیس بیکن، خواهد داشت که غلبه بر طبیعت را چونان رسالتی الهی در خدمت به بشریت می نگرستند؟

۲۱- رویارویی با پدیده کورونا، به ویژه در اعمال سیاست های پیشگیرانه مانند قرنطینه و جداسازی، چه تضمناتی برای اندیشه ورزی در باب نسبت "حق" و "خیر" داشته است؟

۲۲- پدیده کورونا چه کاستی هایی را در آموزش و پژوهش آکادمیک فلسفه برجسته کرده است؟

۲۳- برآیند کنشگری هنری در جریان رویارویی با پدیده کورونا، چنان که در روزهای دشوار قرنطینه در سطح جهان مشاهده می شد، چه تأثیری بر ارزیابی نظریه های متفاوت فلسفه هنر همچون بازنمایی، بیانگری، فرمالیسم، تجربه زیبایی شناختی و هنر متعهد خواهد داشت؟

۲۴- هرمنوتیک فلسفی چگونه به فهم پدیده کورونا یاری می رساند و می تواند بر فرایند رویارویی با آن تأثیر بگذارد؟

۲۵- تجربه یک بحران فراگیر در سطح جهانی چه پیامدهایی برای فلسفه دین خواهد داشت؟

۲۶- دوگانه سازی های دیرپای سنت های زبانی- فلسفی چگونه در رویکردهای نظری به پدیده کورونا و رویارویی عملی با آن بروز یافته است و چه پیامدهایی می تواند داشته باشد؟

۲۷- برخی از فیلسوفان زبان همه مسائل فلسفه را در واقع صرفاً سوء تعبیرهای زبانی می انگارند؛ مسائل فلسفی برآمده از رویارویی با پدیده کورونا چه نسبتی با چنان نگرشی می تواند داشته باشد؟

۲۸- با توجه به تجربه روند شناسایی "حقایق" درباره جوانب گوناگون پدیده کورونا، "بینادهنیت" در شناخت شناسی متأثر از این پدیده چه جایگاهی یافته است؟

۲۹- با ملاحظه در هم تنیدگی وجه طبیعی و وجه اجتماعی- فرهنگی پدیده کورونا، میان "علیت" و "عاملیت" در این پدیده چه نسبتی برقرار است و تضمینات روش شناختی این نسبت برای رهیافت فلسفی چه خواهد بود؟

۳۰- استلزامات فلسفی سخن از "امید" در وضعیت رویارویی جهانی با پدیده کورونا- با ملاحظه پیامدهای احتمالی این وضعیت- چیست؟

پدیده "کورونا" و پرسشگری سیاسی

جدا از واکنش های اضطراری به یک بحران، آنچه در رویارویی با بحران و عوارض آن، به ویژه در درازمدت، نقش تعیین کننده دارد همانا پرسشگری از جوانب گوناگون پدیده است. بخشی از این پرسشگری بی درنگ و متأثر از برخورد با نخستین ضربه های موج بحران پدید می آید و بخشی به گونه ای فعالانه تر برآمده از درنگ و تأمل اندیشه ورزان عرصه های متفاوت دانش است. هرچه پرسش های طرح شده از گستردگی و عمق بیشتری برخوردار باشند، پژوهش ها، تحلیل ها، پیش بینی ها و تجویزهای دقیق تر و راهگشاستری برای رویارویی با پیامدهای رخداد کنونی و پدیده های مشابه در آینده حاصل خواهد شد. البته خود پرسشگری پیرامون یک پدیده چندوجهی و در جریان، باید چنان رویدادی نگریسته شود که به فراخور گسترش ابعاد بحران و پیچیده تر شدن مسائل برآمده از آن، نیازمند سنجش و بازنگری است. با این مقدمه می گوئیم در حد توان، پرسش های سیاسی معطوف به پدیده "کورونا" و پیامدهای آن را به منظور حرکت به سوی اندیشه ورزی های جمعی در حوزه دانش سیاسی برشمارم:^۲

۱- پدیده کورونا به چه معنا "سیاسی" است و چه تأثیری بر "سیاسی" یا "سیاسی تر" شدن پدیده های مشابه در آینده خواهد داشت؟

۲- در رویارویی با پدیده کورونا تا کنون کدام نوع از نظام ها و فرهنگ های سیاسی کارآمدتر عمل کرده اند و پیامدهای این پدیده را بهتر می توانند مدیریت کنند؟ نقاط قوت و ضعف نظام ها و فرهنگ های دموکراتیک در عمل چگونه نمودار شده است؟

۳- رویارویی با پدیده کورونا چه تأثیری بر شناسایی اهمیت فردی رهبران و ساختارهای سیاسی در کشورهای متفاوت داشته است؟

۴- پدیده کورونا اهمیت پررنگ تر شدن مرزها و ساختار سیاسی مبتنی بر دولت-ملت را نشان می دهد یا کم رنگ شدن مرزها و نیاز به ایجاد ساختارهای جدید سیاسی در سطح جهان برای تعامل آسان تر؟

^۲ این پرسش ها نتیجه تأمل نگارنده درباره پدیده "کورونا" و ملاحظه مباحثی است که صاحب نظران تا کنون پیرامون این پدیده طرح کرده اند و بدیهی است که اندیشمندان می توانند پرسش های دیگری بر آن بیفزایند.

۵- با توجه به روند متفاوت مدیریت بحران در کشورهای گوناگون و نتایج متفاوت هر یک، پدیده کورونا چه تأثیری بر تمرکزگرایی سیاسی خواهد گذاشت؟

۶- پدیده کورونا در کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت چه تأثیری بر سه نظریه سیاسی - اقتصادی رقیب در جهان امروز - نظریه نئولیبرال، دولت رفاهی و سوسیال دموکراسی - و حکمرانی مبتنی بر این نظریه ها می گذارد؟

۷- وضعیت کشمکش های سیاسی در کشورهای متفاوت چه تأثیر متقابلی با پدیده کورونا داشته و خواهد داشت؟

۸- پیامدهای ذهنی و عینی پدیده کورونا چه تأثیری بر روند دموکراتیک سازی نظام های سیاسی متفاوت می گذارد؟

۹- پدیده کورونا چه تأثیری بر اهمیت "ایدئولوژی" و "کارآمدی" در فلسفه سیاسی دولت ها و فرهنگ سیاسی کشورها خواهد گذاشت؟

۱۰- پرسشگری درباره اهمیت عدالت سیاسی - اجتماعی، در مواجهه با پدیده کورونا و پدیده های مشابه آینده چه روندی خواهد یافت؟

۱۱- بحث "آزادی" در فلسفه سیاسی، با توجه به مداخله بیشتر حکومت ها در رویارویی با پدیده کورونا چه تحولی خواهد یافت؟

۱۲- پیوند های دانش، قدرت و حقیقت چگونه در جریان رویارویی با پدیده کورونا نمود یافته است؟

۱۳- روان شناسی سیاسی در رویارویی نهادها و کنشگران سیاسی با پدیده کورونا چه نقشی داشته است یا می تواند داشته باشد؟

۱۴- تقابل های "حقوق شهروندی" با استلزامات سلامت همگانی در برخورد با پدیده کورونا، چه تأثیری بر نظریه و عمل سیاسی در جوامع گوناگون خواهد داشت؟ و دولت ها چه نوع کنترل ها و محدودیت هایی را - و تا چه زمانی - مجازند بر زندگی شهروندان اعمال کنند؟

۱۵- میزان توسعه یافتگی سیاسی در عمل چه تأثیری بر سه مرحله پیشگیری، چیرگی بر بحران و مدیریت پیامدها، در رویارویی دولت ها با پدیده کورونا داشته و خواهد داشت؟

۱۶- شدت بحران و رویارویی نهادهای سیاسی با آن در کشورهای متفاوت چه تأثیری بر بازنگری قوانین اساسی هر کشور یا تصویب قانون های جدید می گذارد؟

۱۷- پدیده کورونا چه تأثیری بر مناسبات میان دولت و جامعه مدنی در کشورهای متفاوت می گذارد؟

۱۸- اعتراض ها یا شورش های احتمالی برخاسته از پیامدهای پدیده کورونا در کشورهای متفاوت به چه عواملی بستگی دارد و پاسخ دولت ها به این شورش ها چه تفاوتی خواهد داشت/ باید داشته باشد؟

۱۹- ملاحظات اخلاق سیاسی پس از پدیده کورونا چه جایگاهی در سیاست و مناسبات سیاسی خواهند یافت؟

۲۰- تأثیرگذاری پدیده کورونا بر مناسبات سیاسی جهانی، در مقایسه با تأثیرگذاری مسائل دیرپاتر جامعه انسانی، همچون مسئله محیط زیست، مهاجرت، تروریسم و... چه میزان است؟

۲۱- دو امر "استمداد" و "یارگیری" در پدیده کورونا، چه تغییری در روابط خارجی دولت ها ایجاد کرده است و می تواند ایجاد کند؟

۲۲- پدیده کورونا با کدام پدیده ها از منظر تاریخ سیاسی مقایسه پذیر است؟

۲۳- پدیده کورونا چه تأثیری بر تعریف "دشمن" در علوم سیاسی خواهد گذاشت؟

۲۴- آیا می شود رویارویی با "کورونا" را "جنگ" انگاشت؟ پاسخ مثبت یا منفی به این پرسش چه تأثیری بر تعریف جنگ از یک سو، و مواجهه دولت ها با پدیده های مشابه در آینده خواهد داشت؟

۲۵- با توجه به آثار سیاسی پدیده کورونا، چه فرصت هایی پیش روی جنبش های سیاسی- اجتماعی همچون جریان های صلح طلب و مدافع محیط زیست پدید آمده است یا رخ خواهد نمود؟

۲۶- برای برخورد کارآمدتر با بحران، با ملاحظه جوانب متکثر "کارآمدی"، شفافیت و صداقت در اطلاع رسانی درباره چند و چون پدیده لازم است، یا اطلاع رسانی مهندسی شده؟

۲۷- تأثیر و تأثر فقه سیاسی و الهیات سیاسی در رویارویی با پدیده کورونا و پیامدهای آن چه روندی را طی می کند؟

۲۸- پدیده کورونا چه آثاری بر سیاست گذاری مربوط به حوزه سلامت و فرهنگ برجای خواهد گذاشت؟

۲۹- با نگاه آسیب شناختی به چگونگی رویارویی با پدیده کورونا، سیاست گذاری معطوف به علم، یا آنچه سیاست علم (science policy) خوانده می شود، در سطح داخلی و خارجی به چه دگرگونی هایی نیاز دارد؟

۳۰- پدیده کورونا چه کاستی هایی را در آموزش و پژوهش آکادمیک سیاسی برجسته کرده است؟